

جمع‌بندی مبحث قطع
(مسأله‌یابی، حکم‌یابی، استدلال‌یابی، کاربردیابی)

ردیف	مسأله	نظر شیخ	استدلال	اثر و نتیجه این نظر	نشانی
۱.	آیا یقین در هر جا و به هر صورت و از هر شخص، حجت‌ساز است و باید از آن تبعیت کرد؟	حجیت قطع ذاتی است. (لا اشکال فی وجوب متابعته)	زیرا واقع‌نماست و تبعیت از واقعیت، باید نخستین است (لانه بنفسه طریق الی الواقع)	قانون‌گذار نمی‌تواند در حجیت آن دخل و تصرف کند. (لیس طریقیته قابله لجعل الشارع نفیا و اثباتا)	ص ۲۹
۲.	آیا یقین همانند فتوای مجتهد که حجت‌آور است، حجیت دارد؟	نوع حجت‌آور بودن یقین با امارات فرق دارد. (اطلاق الحججه علیه لیس کلاطلاق الحججه علی الامارات)	زیرا حجت، یعنی آنچه یقین ایجاد می‌کند؛ پس اگر به یقین، حجت بگوییم می‌شود: «یقین»، یقین ایجاد می‌کند. (تحصیل حاصل می‌شود)	در حالت عادی، در متن قانون، حکم بر یقین به موضوع بار نشده است بلکه بر وجود موضوع بار شده است. (احکام الخمر انما تثبت للخمر لا لما علم انه خمر)	ص ۲۹
۳.	آیا در مواد قانونی، در هیچ‌جا، حکم بر یقین به موضوع بار نشده است؟!	چرا در برخی موارد، حکم بر یقین به موضوع بار شده است. (اما بالنسبه الی حکم آخر فیجوز ان یکون القطع ماخوذا فی موضوعه)	از جهت امکان، اشکالی ایجاد نمی‌کند و از جهت وقوع نیز مصادیق زیادی در گزاره‌های دین داریم، مانند: کل شیء طاهر حتی تعلم انه نجس.	یقین، گاهی طریق برای کشف حکم است و گاهی موضوع برای تولید حکم (فالقطة قد یکون طریقاً للحکم و قد یکون ماخوذا فی موضوع الحکم)	ص ۳۰
۴.	آیا در مواردی که حکم بر یقین به موضوع بار شده است، یقین به هر صورت و در هر جا و از هر کس است یا می‌تواند یقین خاصی نیز مورد نظر باشد؟	می‌تواند یقین خاصی نیز مورد نظر باشد. (قد یدل دلیل الحکم علی ثبوت لشیء بشرط حصول القطع به من سبب خاص)	از جهت امکان، اشکالی ایجاد نمی‌کند و از جهت وقوع نیز مصادیق زیادی در گزاره‌های دین داریم. مانند: لاعبره بالشهادة الا عن حسن.	یقینی که به‌عنوان قید در موضوع حکم آمده است، دو گونه می‌تواند باشد: یقین موضوعی طریقی (که یقین از هر طریقی حاصل شد قبول است) و یقین موضوعی وصفی (که یقین برای دارای صفت خاصی باشد تا حکم بار شود).	ص ۳۲
۵.	در مواد قانونی‌ای که حصول حکم مشروط به یقین به موضوع است، اگر یقینی به وجود نیامد، آیا امارات و اصول، می‌توانند نقش یقین را بازی کنند و حکم بر موضوعی که مشروط به	در مواد قانونی‌ای که حصول حکم مشروط به یقین طریقی است، می‌توان امارات و اصول را به‌جای یقین به‌کار برد. (من خواص القطع الذی هو طریق، قیام الامارات مقامه فی العمل)	یقین طریقی یعنی یقین از هر راهی که حاصل شد؛ یکی از راه‌های حصول یقین را قانون‌گذار (شارع)، استفاده از امارات و اصول قرار داده است (اعتبار کرده است)، پس	باید لسان دلیل بررسی شود تا معلوم گردد که حکم بر چه نوعی از یقین بار شده است. (هر گونه یقینی یا یقین خاص) مثلاً در مقام شهادت‌دادن، نمی‌توان به استناد گزارش علمی	ص ۳۴

	یقین است بار شود؟!	اما در موادی که حصول حکم مشروط به یقین موضوعی وصفی است فقط باید همان حالت خاص یقین محقق شود تا حکم تولید شود.	می توان از آنها به عنوان «مشابه یقین» در اجرای قوانین استفاده کرد.	یا گزارش دو نفر عادل، بر علیه کسی شهادت داد؛ بلکه شهادت فقط باید با استناد به رؤیت حسی خود شاهد باشد.	
۶.	آیا دو حالت «طریقی و موضوعی» در یقین، در قیود و شرایط و حالات دیگر هم وجود دارد یا مختص یقین است؟	در موارد دیگر نیز وجود دارد؛ مانند وقتی که حکم بر گمان و ظن بار شده باشد در آنجا هم می توان حکم را متکی بر ظنی که از هر طریقی ایجاد می شود یا ظنی که فقط از طریق خاص ایجاد شود، دانست.	زیرا ظن معتبر، مانند یقین، طریق به واقع قرار داده شده است. (و انه قد یؤخذ طریقا الی متعلقه و قد یؤخذ موضوعا لحکم آخر)	باید لسان دلیل بررسی شود تا معلوم گردد که حکم بر چه نوعی از ظن بار شده است، هر گونه ظنی یا ظن خاص؟ (الغالب فیه الاول)	ص ۳۵

۷.	اگر فردی قصد کرد کار خلافی انجام دهد یا یقین داشت که در حال انجام عمل خلاف است ولی بعد معلوم شد که آن کار خلاف نبوده است، آیا مجازات می‌شود؟ (هل قطع الشخص حجه عليه و ان كان مخالفا للواقع او انه حجه عليه اذا صادف الواقع)	فرد متجرّی (گردنکش و سرپیچی‌کننده)، از جهت انگیزه غلطی که اعمال کرده است مستحق توبیخ یا مجازات است اما از جهت کاری که انجام داده است و بعد معلوم شد که جرم نبوده است، مجازاتی ندارد. (لا اشکال فی استحقاق المتجرّی الذم من جهة انکشاف خبث باطنه، اما من حيث الفعل ففیه اشکال) (المذمه على المنکشف لا الکاشف)	دلیل عقلی: عقل هنگامی حکم به مجازات می‌کند که حکم به قبح فعل نماید و در اینجا، فعل انجام شده قبحی ندارد و قبح موجود فقط مربوط به انگیزه فاعل است. دلیل نقلی: روایات دال بر عفو از نیت سوء تا وقتی که آن را محقق نکرده است، مانند: إِذَا هَمَّ الْعَبْدُ بِالسَّيِّئَةِ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ وَإِذَا هَمَّ بِحَسَنَةٍ كُتِبَتْ لَهُ.	قصد ارتکاب جرم قابل پیگیری قضایی نیست و اگر تعزیری صورت بگیرد به دلیل وجود عناوین دیگری مانند تادیب است. با شروع در جرم، نیز تا وقتی جرم کامل نشده است نمی‌توان مجازات آن جرم را برای متهم اعمال کرد.	۴۵
۸.	مجازات‌ها به‌خاطر ضرری است که متهم به جامعه می‌زند، اگر متهمی در اثر تجرّی ناخواسته کاری انجام داد که نفع زیادی به جامعه رساند آیا در این صورت نیز عقلاء او را مستحق مذمت و مجازات می‌دانند؟ (قبح تجری، ذاتی است یا با تفاوت مصلحت و مفسده ایجاد شده متفاوت می‌شود؟)	قبح تجری، ذاتی است.	۱. تجری، از مصادیق ظلم است و ظلم، قابل جمع شدن با هیچ مصلحتی نیست. (التجری، عله تامه للقبیح کالظلم) ۲. مصلحت ایجاد شده توسط کاری که متهم انجام داده است، بدون انتخاب و اختیار متهم بوده است لذا هیچگونه تاثیری در تخفیف مجازات او نخواهد داشت.	در تعیین مجازات برای متجرّی، نباید تحت تاثیر آثار و نتایج خوب کاری که انجام داده است قرار گرفت و او را مستحق تخفیف دانست.	ص ۴۲
۹.	اگر فردی با نیت مجرمانه عملی مجرمانه را انجام داد، آیا دو مجازات خواهد داشت؟	اگر نیت مجرمانه مربوط به همان عمل است، فقط یک مجازات خواهد داشت و اگر با نیت مجرمانه‌ای عمل مجرمانه دیگری را انجام داد، هر کدام از عناوین جرم‌ساز که محقق شوند مجازات خاص خود را خواهد داشت.	مجازات، تابع تحقق مصداقی از مصادیق «جرم» است. و هر چند عنوان و مصداق که حاصل شود به همان تعداد مجازات خواهد داشت. (کل فعل اجتماع فیه عنوانان من القبح یزید عقابه)	در تعیین مجازات‌ها، باید میان عناوینی که جرم‌ها را شکل می‌دهند تفکیک کرد و مجازات هر جرمی مستقل از جرم دیگر است.	۴۵
۱۰.	در برخی از روایات آمده است که خداوند افراد را براساس انگیزه و نیت‌های آنها محاسبه و مجازات می‌کند؛ این روایات با حکم عدم مجازات متجرّی با وجود نیت مجرمانه چگونه قابل جمع است؟ مانند: الراضی بفعل قوم کالداخل فیهم و علی الداخل اثمان، اثم الرضا و اثم الدخول	این روایات مربوط به تعیین حکم کسانی است که اکتفا به نیت نکردند و برای انجام کار نادرست نیز اقدام کردند (شروع به فعل) یا تعیین حکم کسانی که بر نیت مجرمانه خود اصرار داشتند ولی موانعی برای انجام آن به وجود آمده بود به‌طوری که اگر مانع برطرف می‌شد حتما کار انجام می‌گرفت.	با استفاده از قرینه عقلیه (عدم صدور حکم قبح عقلی) و قرینه روایات با مضمون به‌ظاهر مخالف (مانند: لَا يُؤَاخِذُ اللَّهُ أَهْلَ الْفِسْقِ حَتَّى يَفْعَلُوا)، منظور روایات مورد بحث را تعیین می‌کنیم. (تاویل روایت به معنی مورد نظر)	در انتقال مطالب به نفوس باید بین الخوف و الرجاء حرکت کرد. هم باید مجازات اخروی نیت‌های فاسد را متذکر شد و هم عفو خداوند از مجازات‌های دنیوی و محاکمه بر نیت فاسد.	۴۸

تنبيه دوم) حجيت قطع حاصل از مقدمات عقليه (محدوده كارآيى عقل در معرفت دينى)

ردیف	مساله	نظر شيخ	استدلال	اثر و نتيجه اين نظر	نشانی
۱۱.	اخبارييين در مورد حجيت عقل چه مى گويند؟ (اين بحث چه ارتباطى با مبحث قطع دارد)	به نظر اخبارييين: اعتماد به قطع حاصل از مقدمات عقليه غير بديهى يا قريب من البديهى جايز نيست. و منظورشان عدم جواز استفاده از مقدمات عقايه براى دست يابى به نظر شارع است. (عدم جواز الخوض فى المطالب العقليه لتحصيل المطالب الشرعيه)	استدلال اخبارييين: كثرت اشتباهات در ادله عقليه، اعتماد به محصولات عقل را سلب مى کند. محدث استرآبادى مى گويد عقل بر اساس قواعد علم منطق عمل مى کند و قواعد منطقي اگر رعایت شود فقط صورت استدلال را معتبر مى کند ولى براى معتبر کردن ماده استدلال راهى وجود ندارد.	در مقام تعارض میان دليل عقلى و نقلی، دليل نقلی مقدم است و دليل عقلى ساقط مى شود. ۲. اشتباهات موجود در شرعيات نیز ضميمه شدن مقدمات عقلى باطل ايجاد شده است.	۵۶
۱۲.	محدوده اعتبار عقل در كشف نظر شارع چيست؟	اگر از دليل عقلى قطع حاصل شود اعتبار دارد. (كلما حصل القطع من دليل عقلى فلا يجوز ان يعارضه دليل نقلی و ان وجد ما ظاهره المعارضه فلا بد من تاويله ان لم يمكن طرحه)	لا يمكن القطع بالمتنافين و لو حصل صوره برهان كانت شبهه و مغالطه. وايضا الادله القطعيه النظرية فى النقليات مضبوطه محصوره ليس فيها شى فيها شى يصادم العقل.	اگر دليل نقلی بر خلاف عقلى قطعى پديدار شود بايد ابتدا سند آن بررسى شود اگر طرح و کنار گذاشتن آن ممکن نشد بايد نقطه تعارض تاويل شود.	۵۷
۱۳.	روايات متعددى با محتوای «نهى از عمل به عقل در استنباط احكامى» و لزوم واسطه قرار گرفتن معصوم در دست يابى به نظر خداوند وارد شده است مقصود اين روايات چيست؟ (مانند: حرام عليكم ان تقولوا بشى ما لم تسمعه منا)	پاسخ نقضی: روايات متواتر داريم كه عقل را حجت باطنی خداوند دانسته اند پس حكمی كه از طريق عقل به دست مى آيد عند الله اعتبار دارد. (العقل شرع من داخل كما ان الشرع عقل من خارج) پاسخ حلی: روايات در مقام نهى از عمل به ظنون و عمل به قياسى است كه در جامعه توسط اهل سنت رواج يافته بود.	اگر با مقدمه عقلانى حاصل شد كه فلان كار مورد طلب خداوند است به حكم عقل فطرى (كه مورد قبول اخبارى است) بايد آن كار انجام شود. (لا يحتاج الى توسط الحجه فى تبليغ الحكم وبعد ما قطع العقل بحكم فلا بعقل ترك العمل بذلك)	حتى اگر ظهور روايات در عدم جواز عمل به عقل فطعى را بپذيريم، اين روايات با عقل فطرى در تعارض قرار مى گيرند و بايد ساقط يا تاويل شوند. (كل ما دل على خلاف ذلك فمطروح او موول)	۶۲

ردیف	مساله	نظر شيخ	استدلال	اثر و نتیجه این نظر	نشانی
۱۴.	آيا يقين فرد زودباور معتبر است؟	اگر در مواردی است که قطع و يقين به صورت موضوعی در دليل اخذ شده اند قطع قطع حجيت نیست. ولی اگر در مواردی است که قطع و يقين به صورت طریقی در دليل اخذ شده اند قطع او نیز برای خودش حجيت است . البته در مواردی که ممکن است سبب ضرر به دیگری شود (در اموال ، نفوس ،اعراض) از باب نهی منکر واجب است که او را متوجه کنند که قطع او در حالت عادی نیست و در حقیقت خیالی بیش نیست.	قطعی که در موضوع اخذ شده باشد ،قطع عرفی است و قطع قطع عرفی نیست.	پس از انکشاف واقع ،عملی که قطع انجام داده است مجزی نیست. (حتی در قطع موضوعی ،زیرا قطع او قطع عرفی اخذ شده در لسان دليل نیست.	۶۷

ردیف	مساله	نظر شیخ	استدلال	اثر و نتیجه این نظر	نشانی
۱۵.	آیا علم اجمالی مانند علم تفصیلی، در اثبات تکلیف و در اسقاط تکلیف، اعتبار دارد؟ (الحکم المعلوم بالاجمال هل هو کالمعلوم بالتفصیل فی التتجز علی المکلف ام هو کالمجهول راسا) (واخری فی انه بعد ما ثبت التکلیف، فهل یکتفی فی امثاله الموافقه الاجمالیه و لو مع تیسر العلم التفصیلی ام لا)	در اثبات تکلیف، دو سطح داریم: ۱. اثبات حرمت مخالفت قطعی با علم اجمالی ۲. اثبات وجود مخالفت قطعی با علم اجمالی (المقصود هنا بیان اعتباره فی اقل مرتبه الذی هو حرمة المخالفه القطعیه و بحث الاخر فی البرائه) این مخالفت به دو نحوه قابل تحقق است: مخالفت عقیدتی و مخالفت عملی: مخالفت عقیدتی (التزامی) سبب مجازات نمیشود (جواز قانونی دارد گرچه مطلوبیت ندارد) (مخالفت عملی جایز نیست) یعنی نباید طوری رفتار کنیم که قطعاً مخالفت با شرع پیش بیاید در اسقاط تکلیف با احتیاط کردن و عمل به علم اجمالی به طوری که واقع قطعاً احراز شود، علم اجمالی کافی است و نیاز به تحصیل علم تفصیلی نیست (گرچه خلاف احتیاط است)	دلیل جواز مخالفت التزامی: التزام به احکام عملی از باب مقدمه عمل است نه اینکه مانند عقائد جزء ذات آنها باشد. (فالمخالفه من حیث الالتزام لیست مخالفه) مضافاً به اینکه اصل عدم در اطراف علم اجمالی جاری می شود و هر دو مورد مشکوک را از تعلق تکلیف دور می کند. (اصل در موضوعات حاکم بر ادله تکلیف است). دلیل عدم جواز مخالفت عملی: با این کار مخالفت قطعی با حکم شرع می شود. (چه دفعته و چه تدریجاً) دلیل اسقاط تکلیف با احتیاط کردن: تحقق اطاعت و امتثال امر با انجام کارهایی که یقین می شود در ضمن آنها امر شارع انجام شده است.	بحث علم اجمالی در فضای طریقی است نه موضوعی. قصد وجه در عبادیات لازم نیست. احتیاط با تکرار عبادت هم قابل انجام است عبادت محتاط صحیح است. ختی باید احتیاط کند.	
۱۶.	آیا برای کسی که می تواند علم تفصیلی به دست آورد احتیاط کردن جایز است؟	نظر شیخ در ابتدای بحث جایز است. (اذا دار الامر بین تحصیل الاعتقاد التفصیلی ولو کان ظناً و بین تحصیل العلم بتحقیق الطاعه و لو اجمالاً، یکون الثاني مقدماً بحکم العقل) نظر شیخ در انتهای بحث (ص ۷۶): جایز نیست بایده علم تفصیلی مراجعه کند و اگر مورد عمل او عبادت است با قصد وجه به جای آورد و اگر خواست احتیاط هم بکند.	احتیاط سبب احراز واقع می شود پس مقتضی صدور حکم به جواز وجود دارد، دو مانع را بر سر راه آن گفته اند که هر دو غلط است و ما قائل به آنها نیستیم. وجوب قصد وجه و عدم جواز تکرار در عبادات.	عبادت محتاط صحیح است. (اما به دلیل وجود قائلین به وجوب قصد وجه، احتیاط کردن خلاف احتیاط است. شبهه اعتبار نیه الوجه جعل الاحتیاط فی خلاف الاحتیاط مضافاً الی مخالفه التکرار للعباده مع السیره المستمره للعلماء)	۷۵

۱۷	اگر در ضمن علم اجمالی، علم تفصیلی ای به دست آمد، آیا این علم تفصیلی ضمنی مانند علم تفصیلی صریح و مستقیم اعتبار دارد؟ (مانند کسی که مردد است حدث از او سر زده است با خنده مبطل کرده است که در هر حالتی بالاخره نماز او باطل است گرچه علت بطلان را به تفصیل نمی داند)	معتبر است . (لا فرق بینة و بین غیره من المعلوم التفصیله)	معتبر بودن علم و قطع ذاتی است و مقید به هیچ شرط و موقعیت یا منشا خاصی نیست.	اگر احکامی بر خلاف این مساله بود باید علت خاص و توجیه علمی دیگری داشته باشد که عبارتست از: موضوعی بودن قید علم اخذ شده در لسان دلیل یا فعال شدن حکم ظاهری در موقعیت و یا فعال شدن تعامل های قهری. (مانند حکم به جواز خرید کل مال تنصیف شده میان دو مدعی که قطعا می دانیم یکی از آنها دروغ گفته است؛ در چنین مواردی علت و وجه علمی این است که حکم ظاهری در حق خریدار کل مال جاری نافذ است.)	۷۹
----	---	--	--	--	----

۱۸	یکی از مصادیق علم اجمالی، موردی است که در آن یقین به صدور حکمی از طرف ثانون گذار داریم ولی میان دو خطاب (ماده قانونی) مردد هستیم. در این موارد چگونه باید رفتار کنیم و تصمیم بگیریم؟ (مثلا می دانیم حکمی صادر شد که باید دعا کنید ولی متوجه نشدیم که مربوط به دعا عند الهلال بود یا مربوط به دعا برای اخوان ایمانی)	چهار نظریه در عکس العملی که باید در این موقعیت بروز داد وارد شده است : جواز مخالفت با هر دو، عدم جواز مخالفت قطعی با حکمی که در موقعیت نهفته است جواز فقط در شبهات موضوعیه جواز فقط در مواردی که هر دو حکم از یک جنس هستند. نظر شیخ انصاری، عدم جواز مخالفت قطعی است.	یقین به وجود حکمی نهفته در موقعیت داریم، اگر هر دو خطاب را کنار بگذاریم یقین می کنیم که مخالفت با حکم شارع کرده ایم و مخالفت قطعی با حکم شارع جایز نیست.	در چنین موقعیت هایی حتما باید به مقتضی یکی از دو خطاب عمل کنیم.	۹۵
۱۹	یکی از مصادیق علم اجمالی موردی است که در آن یقین به صدور حکمی مشخص از طرف شارع داریم ولی نمی دانیم به چه کسی خطاب شده است (مجری حکم یعنی مکلف معلوم نیست) در این موارد چگونه باید رفتار کرد و	هر کدام از دو نفر می توانند در مورد خودشان اصل عدم نجس بودن جاری کنند و نماز بخوانند.	ملاک تحقق معصیت است که مخالفت با خطاب معلوم در مکلف معلوم صورت پذیرد ولی در اینجا هر کدام از دو فرد یقین ندارند که مخاطب به خطاب مورد نظر باشند.	اگر در این موقعیت علم تفصیلی ضمنی ای به وجود بیاید حجت است و باید طبق یکی آن عمل شود. (مانند این که یکی از دو نفر به دیگری افتدا کند در این صورت یقین خواهد کرد که	۹۷

	تصمیم گرفت؟ (مثلا می‌دانیم) «از بول اجتناب کنید» صادر شده است و این نجاست هم در موقعیت حاصل شده است و نمی‌توان با لباس آلوده به بول نماز خواند، ولی نمی‌دانیم مربوط به لباس فرد اول است یا مربوط به لباس فرد دوم)			نمازش باطل است یا به دلیل نجاست لباس خودش یا به دلیل بطلان نماز امام جماعت به علت نجاست. البته در این موارد اگر احرا ز واقع مورد نظر قانون گذار نبود بلکه احکام ظاهری فعال شده و اثر خود را که تولید مصلحت مکمل وجایگزین است ایجاد کند، نماز اقتدا کننده درست است زیرا نماز امام بنابر حکم ظاهری در معاملات که در آنها قطعا شارع با فعال سازی اثر حکم ظاهری، ارتباطات را تسهیل کرده است. بنابراین در مساله ای مانند اجاره کردن اجیری برای طواف دادن در حالیکه می‌دانم یا خودم جنب هستم یا او، عقد اجاره صحیح است.
۲۰	تکلیف قانونی خنثی (دو جنسی) در رفتارهای خودش و تکلیف قانونی دیگران در ارتباط با یک دوجنسی چیست؟ (یک فرد خنثی، یقینا یا مرد است یا زن و نوع سومی نیست پس قطعا فهرستی از تکالیف به او متوجه است، از سوی دیگر مرد است که کدام است حال احکام مردان را باید رعایت کرد یا احکام زنان را؟)	ابتدا به نظر می‌رسد که خنثی، مصداقی است از علم اجمالی ای که در آن یقین به صدور حکمی از طرف قانونگذار داریم ولی میان دو خطاب (ماده قانونی) مردد هستیم، در این موارد گفته شد که مخالفت قطعی جایز نیست و خنثی حداقل باید یک طرف را انتخاب نماید و طبق احکام آن به طور مستمر عمل کند. (نمی‌تواند یک روز احکام زنان و در یک واقعه احکام مردان را عمل کند زیرا این صورت قطع حاصل میکند که بالاخره در یکی از دو مورد مخالف با حکم شرع صورت گرفته است.) اما نظر شیخ این است که خنثی مصداقی از قاعده	مساله خنثی از باب خطاب مردد بین الخطابین نیست بلکه از باب اشتغال یقینی است که مستلزم برائت یقینی است.	طبق مبنای شیخ، خنثی نمیتواند ازدواج کند، (لاصالة عدم الذکوریة و اصاله عدم الانوثة) خنثی باید در نماز خود را بپوشاند و حریر هم نپوشد. خنثی باید به هیچ کدام از مردان و زنان نگاه غیر ضروری مستمر نداشته باشد. دیگران باید از خنثی در نگاه و لمس احتراز کنند.

			اشتغال است پس نمیتواند به این حداقل اکتفا کند و باید از مختصات مربوط به مرد و مختصات مربوط به زن اجتناب کند تا یقین کند که تکلیف یقینی «اجتناب عن الجنس المخالف» قطعاً امثال شده است.	
--	--	--	--	--